

بررسی مشکلات و محدودیت های درس هنر دوره متوسطه اول از دیدگاه معلمان (یک پژوهش کیفی؛ مورد مطالعه شهرستان فریدن)

فاطمه زمانی دارانی

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران

f_zamani_64@yahoo.com

چکیده

نقش و جایگاه هنر به طور فزاینده ای در زندگی در حال بازشناسی است، اما هنرها به عنوان موضوعاتی جانبی و حاشیه ای در مدارس تلقی می شوند. بزرگ ترین لطمه ای که سال هاست به هنر وارد می شود آن است که ما به دانش آموزان اجازه می دهیم برای لذت بردن از هنرها، به سادگی در کلاس درس بدون فعالیت هدفمند عمل کنند و گویی آن ها را در ساعت هنر به حال خود رها می کنیم. اهمیت درس هنر و از طرفی مشکلات انبوه این حوزه موجب شد که در پژوهش حاضر به بررسی این محدودیت ها و مشکلات، از دیدگاه معلمان درس هنر بپردازیم و از تجارب آنان بهره مند شویم. رویکرد این پژوهش کیفی از نوع پدیدار شناسی است. میدان پژوهش را معلمان مشغول به تدریس هنر در دوره راهنمایی (متوسطه اول) شهرستان فریدن^۱ که دارای حداقل دو ساعت تدریس هنر در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ بودند تشکیل دادند. تعداد این معلمان ۱۵ نفر بود که با رعایت اصل اشباع نظری از طریق مصاحبه نیمه ساختارمند در پژوهش شرکت کردند. داده ها با استفاده از روش کدگذاری تحلیل شدند. یافته های تحقیق که همان مشکلات و محدودیت های درس هنر بود در ۶ مقوله اصلی معلم، مواد و مصالح، دانش آموزان، والدین، محیط آموزشی و سیاست های آموزش و پرورش دسته بندی شد و هر کدام از این مقوله های اصلی نیز به تعدادی زیر مقوله فرعی تقسیم شدند. نتایج نشان داد که مسائلی نظیر عدم وجود تخصص و مهارت لازم در آموزش هنر، واگذاری تدریس هنر به دبیران غیر تخصصی، محتوای نامناسب کتاب درسی، کم اهمیت شمردن درس هنر و اختصاص ساعت کلاس به دروس دیگر، کمبود وقت در تدریس و تمرین، کمبود بودجه، نا آگاهی والدین از اهمیت هنر و نیز سردرگمی دانش آموزان در شناخت حوزه مورد علاقه خود از مهم ترین مشکلات درس هنر در مدارس این شهرستان بوده است.

واژگان کلیدی: درس هنر، معلمان هنر، تجارب تدریس، مقطع متوسطه اول، محدودیت های برنامه درسی

^۱ - شهرستان فریدن در ۱۴۰ کیلومتری غرب اصفهان واقع است و دارای ۲ شهر و ۲۸ روستا می باشد.

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

مقدمه

نهاد آموزش و پرورش در هر جامعه دارای کارکردهای مختلفی است. یکی از این کارکردها که بین بخش مهمی از اهداف این نهاد می‌باشد، تلاش در جهت رشد و شکوفایی قابلیت‌ها و استعداد‌های هنری و زیبایی‌شناختی دانش‌آموزان و یا آن‌چه اصطلاحاً تربیت هنری نامیده می‌شده است (امینی، ۱۳۸۴).

زبان هنر، اصیل‌ترین، خالص‌ترین و رساترین زبانهاست که به کمک آن می‌توان افراد جامعه را به سوی پیشرفت و تعالی سوق داد (محمدپور، ۱۳۸۲: ۱۱). آموزش هنر می‌تواند خلاقیت، قدرت تحلیل‌گری، ارزشیابی اطلاعات، سواد بصری دانش‌آموزان را پرورش دهد (میرزا بیگی، ۱۳۸۶).

فعالیت‌های هنری ظرفیت تفکر را توسعه می‌بخشند، شیوه‌های تفکر را بنیان می‌نهند و روش‌های ماهرانه‌ای برای ارتباط با جهان پایه‌گذاری می‌کنند. (نواب صفوی و همکاران، ۱۳۸۵).

جدایی و فاصله هنر با مردم و جامعه، به دلیل دور شدن از مبانی اصیل آن از توسعه هنر جلوگیری کرده و با خنثی کردن کارکرد اجتماعی آثار هنری، رونق اقتصادی هنر را نیز از بین برده است و به نبود خلاقیت در فضای هنری تداوم می‌بخشد. توسعه نیافتن هنر و خلأ نوآوری‌های اصیل در حالی است که تعداد هنرآموزان، هنرمندان و فارغ‌التحصیلان رشته‌های هنری افزایش چشمگیری داشته است. بنابراین نظام آموزشی هنر که بخش زیربنایی آن به عهده آموزش و پرورش است، در ایفای نقش خود ضعیف عمل کرده است، به طوری که می‌توان نتیجه گرفت اگر هنر در کشور ما دچار نوعی آشفتگی، پریشانی و بی‌هویتی است، یکی از علل مهم آن دستگاه آموزشی است (گودرزی، ۱۳۷۷).

در برخی از کشورهای جهان، تلاش‌های قابل توجهی در زمینه آموزش هنر صورت گرفته، در حالی که این موضوع در بسیاری از کشورهای دیگر به شکلی کاملاً محسوس به دست فراموشی سپرده شده است. در واقع هنر به توجه جدی نیاز دارد اما از آن جایی که هنر نتیجه‌ای عینی و آشکار مانند آموزش خواندن و نوشتن و حساب کردن را ندارد، جامعه سود‌گرای معاصر اغلب هنر را فراموش می‌کند (شرفی، ۱۳۷۷).

کیفی کردن آموزش هنر و ارتقای همه‌جانبه آن در نظام تعلیم و تربیت کشور، یکی از دغدغه‌های مشترک همه بخش‌های اثرگذار در این فرایند است. به همین دلیل، برطرف کردن موانع، جبران کاستی‌ها و استفاده از روش‌های مبتنی بر خلاقیت در آموزش هنر، می‌تواند به غنی شدن این مقوله مهم پرورشی و فرا درسی کمک کند (امینی، ۱۳۸۴). در طرح اصلاح نظام آموزش و پرورش ایران سال ۱۳۴۴ ه.ش اولین بار در نظام آموزش و پرورش بعد از دوره ابتدایی، دوره‌ای به نام راهنمایی تحصیلی با عنوان "مرحله دوم آموزش همگانی" پیش‌بینی شد. اجرای این دوره از سال ۵۱-۱۳۵۰ ه.ش در سراسر کشور آغاز شد. طول این دوره ۳ سال و گروه سنی ۱۱-۱۳ ساله در آن تحصیل می‌کنند (علیمردان، ۱۳۸۲: ۵). در سال ۱۳۶۶ ه.ش کتاب درسی تازه‌ای برای آموزش هنر در پایه اول راهنمایی تألیف شد که از نظر حوزه‌های محتوایی محدود تر شده بود و فقط طراحی، نقاشی و خوشنویسی را در بر می‌گرفت (موزن زاده، ۱۳۸۳).

اصل برنامه هنر در ایران، قدرت برابری با کارآمدترین برنامه تربیت هنری در جهان را دارد، یعنی از حیث مبانی نظری دارای غنای زیادی است اما برای آن که هنر به موتور محرک یادگیری تبدیل گردد و مسیر خلاقیت را هدایت کند، به زمینه‌هایی از قبیل نقادان هنری و ارتباط با سایر حوزه‌های یادگیری نیاز دارد. (سورتیجی و رستگار پور، ۱۳۹۱).

بیان مسئله

تربیت هنری در ایجاد و بارورسازی زمینه‌های سازنده نظیر خلاقیت، رشد مهارت‌های شناختی، پرورش و تعدیل عواطف و احساسات، تحول سلوک فردی، رشد اخلاقی، افزایش اعتماد به نفس، رشد مهارت‌های فیزیکی تأثیری شگرف دارد. از این رو مکاتب گوناگون فکری، هنر را به منزله‌ی وسیله‌ای کارآمد برای توسعه مفاهیم و معارف مختلف در جامعه دانسته و آن را در پرورش انسان به گونه‌ای متناسب با هدف‌های خود به کار گرفته‌اند (میرزا بیگی، ۱۳۹۰).

برنامه درسی هنر، برخلاف دروس پایه دیگر، یکسانی و یکنواختی در مواجهه با موقعیت‌ها و تبعیت از قواعد و هنجارهای پذیرفته شده را ندارد. هنر قلمرویی است که در آن دم به دم با مسئله مواجه می‌شویم و باید دائم به حل مسئله بپردازیم. لیکن تفاوت این مسائل با مسائلی که دانش‌آموزان معمولاً در قالب سایر دروس با آن‌ها سروکار پیدا می‌کنند، این است که یک راه حل شناخته شده ندارند و پاسخ‌های صحیح متعددی برای هر کدام از این مسائل متصور است. بروز رفتار خاص یا حل مسئله در چارچوب انگاره‌های رفتارگرایی، در قلمرو هنر به کناری نهاده می‌شود و سبک و قالب دیگری از حل مسئله در دستور کار قرار می‌گیرد. (ایزنر، ۱۹۹۸).

رایبسنون^۲ به اهمیت هنر در جامعه دانایی محور توجه کرده است اما در اکثر نظام‌های آموزشی سراسرجهان هنر در حاشیه قرار دارد. هنر درس اختیاری است و جایگاه مهمی ندارد. هنر عنصری برای آماده‌سازی تعلیم و تربیت محسوب نمی‌شود. معلمان باید دانش کافی درباره هنرها داشته باشند که این دانش شامل مهارت‌های پیشنیاز در عرصه آموزش و هنر است و برای داشتن قضاوت صحیح درباره یادگیری دانش‌آموزان لازم است. (مهرمحمدی و کیان، ۱۳۹۳).

تدریس هنر، حرفه‌ای تخصصی است و کار ساده‌ای نیست. بزرگ‌ترین لطمه‌ای که سال‌هاست به هنر وارد می‌شود آن است که ما به دانش‌آموزان اجازه می‌دهیم برای لذت بردن از هنرها، به سادگی در کلاس درس بدون فعالیت هدفمند عمل کنند و گویی آنها را در ساعت هنر به حال خود رها می‌کنیم؛ اما این روش صحیحی نیست. برای منفعت بردن از هنرها لازم است دانش‌آموزان در رشته‌ها و فعالیت‌های هنری غوطه‌ور شوند. تعادل ظریفی بین مهارت‌های یادگیری و داشتن آزادی برای نوآوری و تأمل وجود دارد؛ درحالی که بیشتر معلمان برای این امور آموزش ندیده‌اند (مهرمحمدی و کیان، ۱۳۹۳).

با نگاهی به آموزش هنر در نظام آموزش راهنمایی تحصیلی در می‌یابیم که تا کنون برای آموزش هنر در این دوره، یک راهنمای برنامه درسی به عنوان سند مکتوب تدوین نشده است (کازم پور و همکاران، ۱۳۸۷).

سال اول دوره راهنمایی تحصیلی به عنوان سرآغاز این دوره و تغییر مقطع دانش‌آموزان و ورود آن‌ها به دوره جدید، همواره از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار بوده است. با توجه به این که در دنیای امروز، تغییر و تحول از اصول اساسی و مهم کشورهای پیشرفته و توسعه یافته است و از آن جا که در حوزه‌های مختلف فرهنگی، علمی، اجتماعی و غیره جامعه مدام در حال تغییر است، نیازهای دانش‌آموزان نیز به صورت مداوم در حال تغییرات بنیادین می‌باشند. بر این اساس تدوین کتب درسی و تغییر و تحول محتوای آن‌ها و نحوه ارائه آن به دانش‌آموزان، باید متناسب با نیازهای روز جامعه‌ی دانش‌آموزی باشد و کتب جدید التالیف نیز باید براساس همین نیازها تغییر یابند و به صورت مداوم به روز رسانی شوند اما محتوای

^۲Robinson-

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

کتاب آموزش هنر اول راهنمایی از سال ۱۳۶۶.ش تا ۱۳۹۰.ش کوچکترین تغییر و ویرایش محتوایی نداشته است. تدریس محتوای آموزشی مناسب و استاندارد که بتواند از طرفی پاسخ‌گوی نیازهای مختلف دانش‌آموزان بوده و از طرف دیگر با پیشرفت‌ها و علوم روز دنیا مطابقت داشته باشد، همواره یکی از دغدغه‌های آموزشی بسیاری از معلمان و مربیان آموزش و پرورش در سراسر دنیا است. اگر نگاهی به کتاب‌های آموزش و پرورش در ایران ببینیم، کتاب‌هایی را خواهیم یافت که طی سالیان متمادی بدون تغییر در محتوایشان چاپ شده‌اند و محتوای آن‌ها همان است که سالیان پیش تر از آن بوده است (رهیده و شیرازی، ۱۳۹۲). با توجه به آن چه بیان شد، این سوال به ذهن متبادر می‌گردد، مشکلات و چالش‌های آموزش هنر در مدارس چیست و معلمان هنر با چه محدودیت‌هایی رو به رو هستند؟

مبانی نظری

جامعه‌شناسی هنر عمر کوتاهی در عرصه حیات معرفتی و اجتماعی دارد. متفکران این رشته درباره علمی بودن این رشته توافق نظر ندارند و برخی این رشته را یک رشته علمی نمی‌دانند بنابراین هنوز موضوع مشخص و واحدی برای آن در نظر گرفته نشده است (زکریایی، ۱۳۷۸). جامعه‌شناسی هنر بررسی می‌کند که چگونه گروه‌های مختلف انسانی برای پدید آمدن هنر با همدیگر همکاری و کنش متقابل برقرار می‌کنند و چگونه در یک جامعه هنر را به کار می‌برند و هنر در زندگی آن‌ها چه نقش و جایگاهی دارد (شیروانلو، ۱۳۵۵).

۴

برای جامعه‌شناسی هنر بر اساس تاریخ شکل‌گیری و روند تکاملی آن سه نسل را می‌توان در نظر گرفت. نسل اول بنیانگذاران جامعه‌شناسی بودند که به هنر و زیبایی‌شناسی در حاشیه توجه می‌کردند و به مساله هنر و زیبایی‌شناسی نیم‌نگاهی داشته‌اند. به عنوان مثال امیل دورکیم^۳ به هنر تنها از لحاظ رابطه‌ای که با دین دارد نگاه کرده است و یا ماکس وبر^۴ که متن‌هایی که در مورد موسیقی نوشته است. او سبک‌های موسیقی را به فرایند عقلانی شدن غرب ربط می‌دهد و موسیقی را از لحاظ پیوند با عقلانیت در غرب بررسی می‌کند. ماکس وبر به مقایسه هنر در عصر رومی گوتیک و عصر رنسانس می‌پردازد و سعی می‌کند که تاثیر عقلانیت را در هر یک از این هنرها بررسی کند. وبر موسیقی در غرب را نمونه‌ای مثالی‌نی می‌داند که عقلانیت در پیشرفت آن تاثیر زیادی داشته است (رامین، ۱۳۹۳).

مطالعات بعدی وبر در مورد تولید هنر است که وی در کتاب بعدی خود درباره قواعد هنر می‌نویسد که قواعدی که هنرمندان گمان می‌برند که در آن واحد خود آن‌ها را تشکیل می‌دهند در واقع آن قواعد باز تولید جامعه هستند و جامعه آن‌ها را به وجود آورده است (رامین، ۱۳۹۳). نسل دوم مربوط به جریان فکری تاریخ فرهنگی است. این جریان فکری در قرن نوزدهم ظاهر شد که به بررسی سیر تاریخی فرهنگ و تحولات آن پرداخته است. در نسل سوم شاهد شکل‌گیری "جامعه‌شناسی هنر" در معنای خاص آن هستیم. این نسل در بین متخصصان زیبایی‌شناسی و تاریخ هنر شکل گرفته است. این افراد دغدغه داشته‌اند که رابطه‌شان را با تمرکز دو کانونی هنر و آثار هنری قطع کنند و عنصر سومی را به نام جامعه در مطالعات خود درباره هنر در نظر بگیرند که با این کار آن‌ها رشته جدید جامعه‌شناسی هنر متولد می‌شود. در این مرحله از روش‌های پیمایشی و تجربی و

Emile Durkheim-^۳
Max Weber-^۴

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

کاربردی استفاده می‌شود که با به‌کار بستن روش‌های آماری توسعه‌یافته است. مطابق این سه نسل سه رهیافت کلی برای جامعه‌شناسی هنر می‌توان در نظر گرفت:

رهیافت اول: هنر و جامعه؛ این افراد در صدد ارتباط برقرار کردن میان جامعه و هنر هستند.

رهیافت دوم: هنر در جامعه؛ این رهیافت به بررسی جایگاه هنر در جامعه می‌پردازند.

رهیافت سوم: هنر به‌مثابه جامعه؛ یعنی مجموع کنش‌های متقابل کنشگران، نهادها، اشیا به‌گونه‌ای باهم تحول می‌یابند تا آنچه را که عموماً "هنر" می‌نامند تحقق یابد. (هینیک، ۱۳۸۴).

فوکو و بوردیو نیز از مهم‌ترین جامعه‌شناسان معاصر به‌شمار می‌آیند و آراء و نظریات آن‌ها در جامعه‌شناسی هنر بسیار مطرح است. کارل مارکس^۵ در تحلیل‌های خود از یک الگوی روبنا و زیربنا استفاده می‌کند. طبق مفهوم مارکس واقعیت‌های اقتصادی ریشه (زیربنا) همه ایدئولوژی‌هاست که یکی از این ایدئولوژی‌ها هنر است. بنابراین واقعیت‌های اقتصادی می‌توانند منشا و زیربنای به‌وجود آمدن بسیاری از ایدئولوژی‌ها و ازجمله هنر باشد و اگر اوضاع اقتصادی و شیوه تولید در یک جامعه‌ای دگرگون شود هنر و جامعه هنری نیز دگرگون خواهد شد (رافائل، ۱۳۷۹).

میشل فوکو^۶ در بررسی آثار هنری سه نکته را در نظر می‌گرفت. نخست آثار هنری می‌توانند تمامی فضای فکری و فرهنگی دوره خود را منعکس کند. دوم، آثار هنری می‌توانند در ذهن بیننده تصور فرد را از شخصیت انسانی به چالش بیندازد. سوم، با کمک مفاهیم و سبک‌های هنری می‌توانیم انسان را از نو تعریف کنیم (برنز، ۱۳۸۴).

مطالعات بوردیو^۷ در باب هنر در مورد مصرف هنر بخش وسیعی از جامعه‌شناسی وی را تشکیل می‌دهد. بوردیو در متاب عشق به هنر، الگوهای حضور بازدیدکنندگان در موزه‌های فرانسه را بررسی می‌کند. وی نتیجه می‌گیرد که بین سلیقه و ذوق هنری افراد و طبقه اجتماعی و فرهنگ آن‌ها رابطه وجود دارد (رامین، ۱۳۹۳).

پیشینه پژوهش

در رابطه با هنر و مسائل پیرامون آن پژوهش‌های متنوعی صورت گرفته است. امپوه^۸ (۲۰۰۲) در پژوهشی به مطالعات حرفه‌ای، مبتنی بر برنامه درسی هنر موضوعی برای آموزش معلمان هنر مدارس راهنمایی در بوستون پرداخت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که نیاز به برنامه درسی جامعی که محتوای آن از زیبایی‌شناختی، نقد هنری، تاریخ هنری و به همان نسبت، تا تولید هنری امتداد داشته باشد، احساس می‌شود.

دی‌کابا^۹ (۲۰۰۲) در پژوهشی به بررسی فهم برنامه درسی هنر موضوعی برای آموزش معلمان مدارس متوسطه در بوستون پرداخت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که حوزه‌های محتوایی مختلف (نقد هنری، تاریخ هنری، زیبایی‌شناسی و تولید هنری) اغلب به‌طور متغیر و انعطاف‌پذیری در سر تا سر کتاب‌های درسی هنر آمده است و ارتباط متقابل بین این حوزه‌ها آشکار به نظر می‌آید. وی بدین نتیجه دست یافت که تلفیق این حوزه‌ها یک مبنای قوی برای تدوین برنامه درسی هنر فراهم می‌آورد.

^۵ - Karl Heinrich Marx
^۶ - Michel Foucault
^۷ - Pierre Bourdieu
^۸ - Mpowe
^۹ - Dichaba

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

لودر میلک^{۱۰} (۲۰۰۲) در پژوهشی به بررسی کاربرد زیبایی شناسی در یک برنامه درسی جامع هنر پرداخت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که زیبایی شناسی در پیشینه آموزش هنر، درک کامل تری از هنر به افرادی که مشغول به آموزش دیدن در عرصه هنر هستند، ارائه می‌دهد.

دیویس^{۱۱} (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان "افزایش نقش هنر در آموزش اولیه قبل از خدمت معلمان" نشان داد که طیف وسیعی از عوامل قبل و ضمن دوره آموزش معلمان، به تقویت توانایی تدریس هنر معلمان کمک کرده است. معلمان دارای هنر تصویرگری، به عنوان افراد هنرمند، ارزش هنر را در آموزش کودکان تشخیص می‌دهند و با افزایش اعتماد به نفس، به تخصص‌های مختلف برای تدریس هنردست می‌یابند. معلمان برای غلبه بر ترس خود در مواجهه با نوآوری‌های برنامه درسی، نیازمند چنین تجاربی قبل از خدمت هستند ارزش هنر در افزایش و تقویت اعتماد به نفس در کار متخصصان مختلف آموزش هنر ارائه شده است.

در پژوهش بیکال اورهان^{۱۲} (۲۰۱۳) که دستاورد‌های هر یک از دانش‌آموزان با روش‌های مختلف و تلفیقی از آن‌ها را به عنوان فرصت‌هایی برای هریک از متغیرهای آموزشی نشان می‌دهد، نتیجه‌گیری شده است که دانش‌آموزان با روش دریافت مستقیم به راحتی خسته می‌شوند و سطح کمتری از دانش را دریافت می‌کنند. مربی‌های تجسمی می‌تواند دانش‌رادر رویکردی تعاملی ارائه دهد.

گریس^{۱۳} (۱۹۸۷) در پژوهشی به بررسی آموزش هنر دیسپلین محور با تحلیل نیاز سنجی وضعیت آموزش هنر در مدارس عمومی پورتلند^{۱۴} پرداخت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که هنر به عنوان یک موضوع غیر آکادمیک مد نظر است و فعالیت‌های آموزشی میان معلمان دوره ابتدایی از یک سو و دوره راهنمایی و متوسطه از سوی دیگر، به طور قابل ملاحظه‌ای متفاوتند. هم‌چنین ساختار و توالی در اغلب برنامه‌های درسی آموزش هنر ضعیف است و تفاوت فرهنگی، بخش مهم اما مورد غفلت واقع شده آموزش هنر به شمار می‌رود.

کاسر^{۱۵} (۲۰۱۲) در پژوهش خود نشان داد که نظر معلمان تقویت مهارت‌های حرکتی ظریف در برنامه‌های آموزشی فرصت‌آبراز وجود برای کودکان ندارد و توجه درباره چگونگی تقویت آبراز وجود از طریق آموزش‌های هنری به کودکان ضروری است.

نتایج پژوهش فلاچی و همکاران^{۱۶} (۱۳۹۰) با عنوان "تاثیر آموزش با رویکرد تربیت هنری فعالیت‌های هنری و مهارت‌های فرآیندی دانش‌آموزان پایه چهارم" حاکی از آن است که آموزش‌آموزانی که با رویکرد تربیت هنری آموزش دیده‌اند با نمره فعالیت هنری دانش‌آموزانی که با روش‌های گذشته آموزش دیده‌اند تفاوت معناداری دارد. با رویکرد تربیت هنری مهارت‌های فرآیندی تفکر، تعامل، مشارکت، همکاری، نظم، دقت و خلاقیت تقویت می‌شوند.

^{۱۰} - Loder milk

^{۱۱} - Davies

^{۱۲} - Orhum Beykal

^{۱۳} - Grice

^{۱۴} - Portland

اولین همایش بین المللی و سومین ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

تمنایی فر و همکاران (۱۳۸۹) نیز به این نتیجه دست یافتند که تربیت هنری باید به عنوان اولویت آموزشی از جایگاه ویژه ای برخوردار باشد؛ زیرا هنر می تواند با در نظر داشتن اساسی ترین مراحل و عمیق ترین ابعاد حیات و تربیت، شخصیت مخاطبان را با تغییر و تحولی آشکار رو به رو کند.

کاظم پور، رستگار پور و سیف نراقی (۱۳۸۷) در پژوهشی به بررسی ارزشیابی برنامه درسی هنر دوره راهنمایی تحصیلی بر اساس رویکرد دیسیپلین محور پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که تولید هنری در برنامه درسی موجود آموزش هنر در دوره راهنمایی وجود دارد، در حالی که نقد هنری، تاریخ هنری و زیبایی شناسی در برنامه درسی موجود آموزش هنر در دوره راهنمایی تحصیلی وجود ندارد. وی دریافته است که با نگاهی به آموزش هنر در نظام آموزش راهنمایی تحصیلی تا کنون برای آموزش هنر در این دوره، یک راهنمای برنامه درسی به عنوان سند مکتوب تدوین نشده است.

یافته های پژوهش اسماعیل صفری، محسن نظر زاده زارع با عنوان "آسیب شناسی درس هنر در ابعاد طراحی، اجرا و ارزیابی از دیدگاه معلمان هنر مقطع راهنمایی شهرستان دزفول" نشان داد که آسیب های درس هنر در ابعاد طراحی، اجرا و ارزیابی از دیدگاه معلمان را می توان در ۶ عامل شامل؛ ۱- مشکلات محتوایی، ۲- مشکلات آموزشی، ۳- مشکلات انگیزه ای، ۴- مشکلات سخت افزاری، ۵- مشکلات امتحانی ۶- مشکلات انتظار بالا در گرفتن نمره، دسته بندی کرد.

سید علی حسینی روکش، فرشیده ضامنی، حسین دائی زاده نیز در تحقیق خود به عنوان "تاثیر کاربرد نرم افزارهای آموزشی در ارتقا یادگیری مهارت های اساسی درس هنر" نشان داده اند استفاده از نرم افزارهای آموزشی در ارتقا مهارت های اساسی هنر شامل مهارت های حسی، گفتاری، حرکتی، قابلیت های تفکر و مهارت های اجتماعی دانش آموزان پایه پنجم به طور قابل ملاحظه ای موثر بوده است.

مجتبی پورکریمی هاوشکی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله "آسیب شناسی و تحلیل کارکردهای تربیتی هنر در کتب درسی قبلی و تازه تألیف هنر پایه هفتم" به این نتیجه رسیده اند که کارکردهای هنر در تعلیم و تربیت در سه سطح قابل بررسی است. سطح بنیادین که شامل مؤلفه های اصلی هنر یعنی خلاقیت، احساس و هوش است. سطح میانی که شامل مؤلفه های تولید، نقد و ارزیابی است و سطح فرعی که شامل مؤلفه هایی چون تربیت ابعاد اخلاقی، اجتماعی، دینی و ارتباطی می باشد. در قسمت دوم این مقاله که به آسیب شناسی کتب هنر با توجه به این سطوح و ضابطه ها پرداخته است، آمده است که قواعد آفرینش اثر هنری در کتب جدید نادیده گرفته شده است.

یاسمی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان تحلیلی بر جایگاه برنامه درسی هنر مبتنی بر سند برنامه درسی ملی آموزش و پرورش نشان داده اند که اهداف برنامه درسی هنر دوره ابتدایی با اهداف کلی سند برنامه درسی همخوانی داشته ولی در مدارس و مراکز آموزشی کشور و در برنامه های درسی، هنر از جایگاه مناسبی برخوردار نیست بر اساس یافته های پژوهشی مشخص شد که محتوای برنامه هنر باید مناسب با نیازهای دانش آموزان بوده و از معلمان متخصص در این زمینه استفاده شود.

محمدی و همکاران (۱۳۹۲) از هنر به عنوان حوزه ای گسترده و پویا که می تواند ابزار کمکی نیرومندی برای بهبودی فرایند یادگیری آموزشی و پرورشی در مدارس باشد یاد کرده اند که می تواند آثار و نتایج قابل توجهی رافراهم سازد. نتایج این تحقیق گویای آن است که هنرمی تواند از ابعادی زیبا شناختی، اجتماعی، عاطفی، فرهنگی، شناختی، پیشرفت تحصیلی و غیره

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

باتعلیم و تربیت ارتباط داشته باشد و زمینه رشد آن‌ها را فراهم نماید. ارائه آموزش‌ها با کمک هنرمی تواند یکی از گام‌های اصلاح نظام‌های آموزشی کنونی باشد. کمک گرفتن از هنر برای افزایش یادگیری دانش‌آموزان، راهی برای ممانعت از حفظ محوری کنونی است.

رهیده (۱۳۹۲) نیز در پژوهش خود با عنوان بررسی محتوایی کتاب آموزش هنر سال اول دوره راهنمایی ایران (۱۳۵۰-هش تا ۱۳۹۰-هش) و پیشنهاد یک مجموعه محتوایی نوین بر لزوم بازنگری و تجدید نظر کتاب فعلی آموزش هنر سال اول دوره راهنمایی تحصیلی تاکید دارد و در این راستا یک مجموعه محتوایی نوین را پیشنهاد و ارائه می‌دهد.

وی هم‌چنین در تحقیقی دیگر به همراه دکتر علی اصغر شیرازی (۱۳۹۲) به مقایسه محتوایی کتاب‌های درسی هنر سال اول دوره راهنمایی تحصیلی از سال ۱۳۵۰ تا کنون در آموزش و پرورش ایران پرداخته و به این نتیجه رسیده است که آخرین تغییرات در زمینه محتوای کتاب درسی هنر اول راهنمایی در سال ۱۳۶۶-هش، تغییرات مثبتی در جهت ارتقاء کیفی محتوا نبوده و تنزل هم یافته است و نیاز به بازنگری و تجدید نظر دارد.

ذوالفقاریان و کیان (۱۳۹۳) در پژوهش کیفی خود با عنوان واکاوی تجارب معلمان زن در تدریس هنر در مدارس ابتدایی نتیجه گرفته‌اند که معلمان هنر در برنامه درسی هنر نتوانسته‌اند از پتانسیل محتوایی این درس برای آموزش بهره‌مند شوند و بی‌اهمیت بودن برنامه درسی هنر بین سایر دروس در تدریس عملی معلمان تأثیرگذار است. هم‌چنین به دلیل مسائلی نظیر ضعف تخصص در آموزش هنر، کمبود وقت، کمبود بودجه، ناآگاهی والدین از اهمیت هنر، عموماً به برنامه درسی هنر توجه کافی نمی‌شود. ارائه آموزش‌های ضمن خدمت تخصصی در درس هنر ویژه معلمان، ایجاد بستر مناسب برای تبادل تجارب بین معلمان، بالا بردن سطح آگاهی والدین نسبت به اهمیت درس هنر از توصیه‌های این پژوهش است.

نتایج پژوهش راضیه خان احمدی (۱۳۸۷) با عنوان "مقایسه و بررسی وضعیت موجود و وضعیت مطلوب برنامه درسی هنر در مدارس دخترانه شهر خوی از دیدگاه معلمان و والدین در سال تحصیلی ۸۷-۸۶" نشان می‌دهد که وضعیت موجود برنامه درسی هنر از دیدگاه معلمان کم و وضعیت مطلوب زیاد و یا خیلی زیاد است و اکثر معلمان خواستار استفاده از معلم مستقل و متخصص هنر برای تدریس درس هنر می‌باشند. هم‌چنین خواهان تدوین کتاب درسی هنر برای دوره ابتدایی هستند. اکثر والدین هم از اهمیت و نقش هنر در رشد و پرورش عواطف و احساسات کودکان آگاهی نداشته و برای درس هنر اهمیت کمتری نسبت به سایر دروس قائل هستند.

معلمان به عنوان عاملان اصلی در فرایند تربیت هنری نقش برجسته‌ای دارند. از این رو بررسی تجارب معلمان در تدریس برنامه درسی هنر می‌تواند چالش‌های آموزش هنر در مدارس را روشن سازد. (ذوالفقاریان و کیان، ۱۳۹۳).

بدین ترتیب هدف پژوهش بررسی مشکلات و محدودیت‌های درس هنر دوره راهنمایی (متوسطه اول) از دیدگاه معلمان هنر است. بر این اساس سوالات اصلی و فرعی پژوهش از این قرار است:

سوالات اصلی:

- مشکلات و محدودیت‌های درس هنر از نظر معلمان این درس چیست؟
- موانع، چالش‌ها و پیامدهای تدریس هنر در مدارس راهنمایی چیست؟

اولین همایش بین المللی و سومین ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

سوالات فرعی:

- چه عواملی در رابطه با معلم و ویژگی های آن موجب ایجاد مانع برای درس هنر است؟
- چه عواملی در رابطه با دانش آموزان و ویژگی های آن برای درس هنر چالش ایجاد می کند؟
- چه عواملی در رابطه با والدین و ویژگی های آن برای درس هنر چالش ایجاد می کند؟
- چه عواملی در رابطه با محیط آموزشی و ویژگی های آن برای درس هنر محدودیت ایجاد می کند؟
- چه عواملی در رابطه با مواد و مصالح هنر برای این درس محدودیت ایجاد می کند؟
- چه عواملی در رابطه با سیاست های کلی نظام آموزش و پرورش برای درس هنر چالش ایجاد می کند؟

روش پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر؛ کیفی از نوع پدیدارشناسی است. روش پژوهش کیفی، اغلب به روش هایی گفته می شود که به منظور به دست آوردن داده های ذهنی به کار می رود در مجموع پژوهش کیفی به سوی درک دنیای طبیعی گرایش پیدا می کند و ماهیت آن کاملاً تفسیری است. مقصود آن تاکید رابطه علی از طریق ابطال فرضیه مبتنی بر نبودن رابطه نیست؛ برعکس پژوهش کیفی تفسیرهای چند وجهی تجربه آدمی و رابطه تکرار شونده درون نظام های اجتماعی و فرهنگی را تشخیص می دهد. در دیدگاهی مثل پدیدارشناسی، فمینیسم و تحلیل گفتار که از صورت های جدیدتر و بین رشته های تحقیق کیفی اند، تأکید بر تجربه زیست فردی است (خداوردی، ۱۳۸۷).

جامعه آماری این پژوهش شامل تمام معلمان دوره راهنمایی شهرستان فریدن بودند که سابقه تدریس هنر در این مقطع را داشتند. نمونه گیری به صورت هدفمند^{۱۵} انجام شد و از میان آنان معلمان مشغول به تدریس هنر در مدارس راهنمایی این شهرستان در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ که حداقل ۲ ساعت تدریس در هفته داشتند انتخاب شدند. براساس آمار ارائه شده از سوی آموزش و پرورش شهرستان تعداد این معلمان ۱۵ نفر بود که با رعایت اصل اشباع نظری از طریق مصاحبه نیمه ساختارمند در پژوهش شرکت کردند. اصل اشباع نظری به این معناست که محقق مصاحبه ها را تا زمانی ادامه می دهد که پس از آن به داده های تکراری برسد. اطلاعات و مشخصات میدان پژوهش در جدول شماره ۱ آورده شده است.

جدول ۱- مشخصات نمونه آماری (میدان پژوهش)

کد	جنس	سن	تحصیلات	رشته-گرایش	میزان ساعات تدریس	سابقه تدریس یا رزومه هنری	سابقه تدریس کلی
۱	زن	۳۸	لیسانس	علوم تجربی	۸	ندارد	۲۲
۲	زن	۳۶	لیسانس	حرفه وفن	۶	ندارد	۲۰
۳	زن	۳۸	لیسانس	ادبیات	۴	ندارد	۲۰

^{۱۵} - Purposeful

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

۲۰	ندارد	۶	علوم اجتماعی	لیسانس	۳۷	زن	۴
۲۲	ندارد	۶	علوم تجربی	لیسانس	۳۵	زن	۵
۲۰	ندارد	۳	علوم تجربی	لیسانس	۳۹	زن	۶
۲۲	ندارد	۳	علوم اجتماعی	لیسانس	۳۸	زن	۷
۲۲	دارد	۸	حرفه و فن	لیسانس	۴۲	مرد	۸
۲۲	ندارد	۴	جغرافیا	لیسانس	۴۰	مرد	۹
۲۲	دارد	۶	ادبیات	فوق لیسانس	۴۲	مرد	۱۰
۲۳	دارد	۶	حرفه و فن	لیسانس	۴۱	مرد	۱۱
۲۰	ندارد	۸	ادبیات	لیسانس	۴۰	مرد	۱۲
۲۲	ندارد	۲	علوم اجتماعی	لیسانس	۴۲	مرد	۱۳
۲۴	ندارد	۴	جغرافیا	لیسانس	۴۳	مرد	۱۴
۲۲	ندارد	۲	علوم تجربی	لیسانس	۴۲	مرد	۱۵

ابزار جمع‌آوری داده‌ها "مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته" است. به منظور تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری در نظریه مبنایی استفاده شد. نظریه مبنایی؛ عبارت است از آنچه به طور استقرایی از مطالعه پدیده‌ای به دست آید و نمایانگر آن پدیده است. به عبارت دیگر آن را باید کشف کرد، کامل نمود و به طور آزمایشی از طریق گردآوری منظم اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌هایی که از آن پدیده نشأت گرفته است، اثبات نمود. تحقیق هرگز از یک نظریه شروع نمی‌کند و بعد آن را به اثبات برساند بلکه، تحقیق از یک حوزه مطالعاتی شروع شده و فرصت داده می‌شود تا آنچه که متناسب و مربوط بدان است خود را نشان دهد. این تنظیم نظری بنا بر طبیعتش مستلزم تعبیر داده‌هاست. از این رو، داده‌ها تعبیر شده و به صورت مفاهیم در می‌آیند و مفاهیم به یکدیگر مربوط شده تا ترجمانی نظری از حقیقت به شمار آیند (حقیقت در اصل قابل شناسایی نبوده و باید تعبیر و تفسیر شود). نظم نظری که از این طریق به دست می‌آید، نه تنها وسیله‌ای برای توضیح و تبیین حقیقت است بلکه چارچوبی برای عمل به دست می‌دهد (استراس و کوربین، ۱۳۹۰).

کدگذاری، شکستن داده‌های گردآمده به کوچک‌ترین اجزاء معنادار است. اجزایی که مبنایی برای یافتن و ساختن مفاهیم مستتر در داده‌ها هستند (منصوریان، ۱۳۹۱). در این پژوهش ابتدا داده‌های حاصل از نظرات معلمان در تدریس هنرشکسته و تلخیص شده و به داده‌های شکسته شده برچسب و معنا داده شد و از مجموع داده‌ها مقوله‌ها به دست آمد (کدگذاری باز)^{۱۶}. سپس روند ارتباط دادن خرده‌مقولات به یک مقوله شکل گرفت؛ یعنی هر مقوله را با توجه به شرایط و محل این پدیده که در بعد خاص اتفاق می‌افتد و برای در نظر گرفتن خصوصیات آن، زمینه، واکنش نشان دادن به این پدیده و پیامدهای هرگونه کنش متقابل که صورت می‌گیرد، بسط دادیم (کدگذاری محوری)^{۱۷} و در نهایت در مرحله (کدگذاری

^{۱۶} - Open coding
^{۱۷} - Axial coding

انتخابی)^{۱۸} به تولید متن یا عبارتی که در آن با استفاده از اصول یا گزاره های منطقی، رابطه بین مفاهیم و مقولات شرح داده شود، پرداختیم و پدیده مورد بررسی یعنی مشکلات درس هنر توصیف شد(ذوالفقاریان و کیان، ۱۳۹۳). جهت تعیین روایی و پایایی داده ها از سه معیار مورد نظر صاحب نظران مطالعات کیفی، شامل قابل قبول بودن^{۱۹}، قابلیت اطمینان^{۲۰} و تایید پذیری^{۲۱} (منصوریان، ۱۳۹۱) استفاده شد. جهت قابل قبول بودن و تایید درستی یافته ها، رونوشت های مصاحبه ها برای معلمان ارسال شد تا موافقت یا مخالفت آن ها با مطالب ذکر شده و یافته های پژوهش مشخص شود. به منظور تضمین قابلیت اطمینان یافته ها تلاش شد تا فرایند ها و تصمیمات مربوط به پژوهش به طور واضح در متن پژوهش تشریح شود. برای تایید پذیری نتایج، یافته ها با پیشینه پژوهش مقایسه شد و با استناد به بحث های نظری در تبیین آن ها اقدام شد.

یافته های پژوهش

پس از انجام مراحل فوق در نهایت مشکلات و محدودیت های درس هنر دوره راهنمایی در ۶ مقوله اصلی قرار گرفت و موانع مرتبط با آن مقوله نیز در قالب مقوله های فرعی تقسیم بندی شد. بر این اساس، معلم، مواد و مصالح، دانش آموزان، والدین، محیط آموزشی و سیاست های آموزش و پرورش مقوله های اصلی هستند و زیر مقوله های هر یک نیز در شکل (۱) آمده است:

۱۱

۱- مقوله های اصلی

۱-۱- معلم: سن، جنس، مدرک و تطابق جنسی معلم هنر با دانش آموزان از دیدگاه اکثر معلمان در افزایش یا کاهش کیفیت آموزش تفاوت چندانی نمی کند و بررسی مجموع نظرات معلمان عوامل دیگر را بیشتر دخیل دانسته اند. از جمله این عواملی که زیر مجموعه مقوله معلم قرار می گیرد می توان به سابقه تدریس اشاره کرد. برخی مصاحبه شوندگان دارای سابقه تدریس هنر و یا رزومه هنری بودند. این دسته از معلمان به اذعان خود در مجموع از اعتماد به نفس بیشتری در هنگام تدریس برخوردار بودند.

مصاحبه شونده (۱۰): " کلاس ها و دوره هایی که قبلا رفتم و به خصوص تمرین هایی که در زمینه خوشنویسی داشتم کمک زیادی به من می کند موقع تدریس؛ حتی وقتی که متن یا جمله ای رو با گچ روی تخته می نویسم و تحسین دانش آموزان رو می بینم؛ اعتماد به نفس بیشتری پیدا می کنم".

رایت^{۲۲} (۲۰۰۹) نیز معتقد بود معلمان باید دانش کافی درباره هنرها داشته باشند که این دانش برای داشتن قضاوت صحیح درباره یادگیری دانش آموزان لازم است.

^{۱۸}- Selective Coding
^{۱۹}- Credibility
^{۲۰}- Dependability
^{۲۱}- Conformability
^{۲۲}- Wright

اولین همایش بین المللی و سومین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

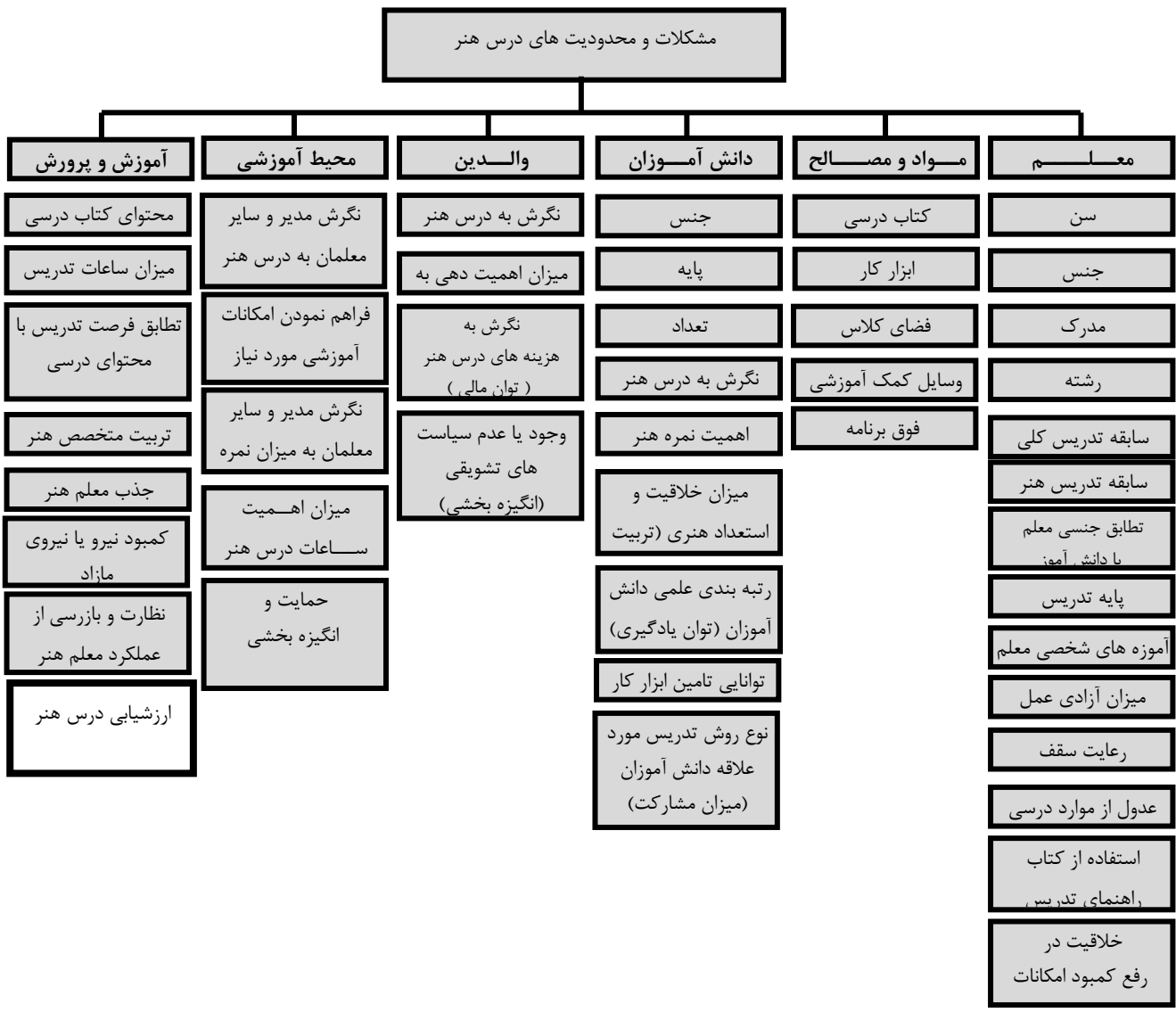
۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

زیر مقوله " پایه تدریس " نیز از نظر برخی معلمان در میزان یادگیری و سرعت عمل دانش آموزان موثر است. به عنوان مثال از نظر معلمان پایه اول راهنمایی؛ تدریس هنر برای دانش آموزانی که به یکباره از دوره ابتدایی وارد دوره راهنمایی شده اند مشکل تر است.

مصاحبه شونده (۱): " وقتی سر کلاس دانش آموزان پایه دوم و به خصوص سوم هشتم نسبت به زمان هایی که هنر اول راهنمایی رو تدریس می کنم راحت ترم؛ چون پایه های بالاتر شناخت و آشنایی بیشتری به کتاب و درس هنر پیدا کرده اند." تقریبا همه معلمان به تاثیر آموزه های شخصی خود در حوزه های مختلف هنر در افزایش کیفیت تدریس و البته سهولت در انتقال مفاهیم به دانش آموزان اذعان داشته اند و نیز استفاده از کتاب راهنمای تدریس را نیز مفید دانسته اند. از نظر معلمان نوع تدریس مبتنی بر کتاب عملا میزان آزادی عمل آن ها را در کلاس هنر به شدت محدود کرده است و آن ها نمی توانند از مواد درسی عدول نمایند. از طرفی معلمان با الزام کمتری برای رعایت سقف ساعات تدریس هنر روبه رو بوده اند و در اکثر

اولین همایش بین المللی و سومین ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران



۱۳

شکل ۱- مقوله های اصلی ، فرعی و زیر مقوله ها

مواقع کل یا جزئی از ساعات درس هنر به دروس دیگر اختصاص می یابد که در این مورد با سخت گیری خاصی هم رو به رو نیستند.

مصاحبه شونده (۱۲): "بیشتر مواقع به خصوص روزهایی که به امتحانات نزدیک می شویم، معلمان سایر دروس مثل ریاضی و یا عربی از خواهان اختصاص ساعت تدریس هنر به این دروس هستند و در اکثر مواقع هم این جابه جایی بدون هیچ مانعی انجام می شود." در این میان برخی از معلم ها قادر بوده اند با بهره گیری از خلاقیت خویش تا حد ممکن در رفع محدودیت های تدریس هنر بکاهند.

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

مصاحبه شونده (۸): "گاهی وقت‌ها با توجه به تجارب تدریس در حرفه و فن، سعی می‌کنم این دو درس را باهم تلفیق کنم؛ مثلاً از بچه‌ها می‌خواهم که طراحی‌های خود را روی دست ساخته‌ها پیاده کنند. گاهی هم فیلم‌هایی از رسم نقاشی با لب تاپ شخصی خودم برای بچه‌ها پخش می‌کنم."

معلمان باید جرات ورزی و جسارت تعدیل روش‌های توصیه شده و تجربه شده یا حتی عدول از آن‌ها را تمرین کنند. التزام معلم به این ویژگی‌ها به بیان برخی تدریس آمیخته با هنر را تحقق می‌بخشد. (مهر محمدی، ۱۳۹۳).

۱-۲- مواد و مصالح

کتاب درسی به عنوان مهم‌ترین و در دسترس‌ترین مواد درس هنر، مورد انتقاد معلمان واقع شد. از نظر آن‌ها محتوای کتاب هنر نتوانسته است دانش آموزان را به فراگیری این درس متمایل کند. از نظر معلمان پایه اول راهنمایی محتوای کتاب درسی این پایه، تناسبی با توانایی دانش آموز ندارد. هم‌چنین کتاب هنر نمی‌تواند همه علائق دانش آموزان در بحث هنر را پوشش دهد و استعداد هنری خاص برخی دانش آموزان مورد غفلت واقع شده است.

با توجه به این که مفاهیم و تعاریف هنری در عصر حاضر تغییر کرده‌اند، آموزش هنر نیز تحول یافته و این دگرگونی علاوه بر محتوای دروس آموزشی، دیدگاه‌ها و روش‌های تدریس را نیز تغییر داده است. ولی متأسفانه در سال‌های اخیر یعنی از سال ۱۳۶۶ ه.ش به بعد شاهد کوچک‌ترین تغییری در محتوای کتب هنر در این مقطع تحصیلی حساس نمی‌باشیم. (رهیده، ۱۳۹۲).

معلمان هنر از عدم توانایی تعداد قابل توجهی از دانش آموزان در تامین وسایل کار و ابزار مورد نیاز درس هنر سخن گفتند. از نظر آنان این مسئله ارتباط مستقیمی با سطح معیشت خانواده‌ها دارد.

مصاحبه شونده (۱): "در مدرسه‌ای که من تدریس می‌کنم ۹ کلاس وجود دارد، یعنی در مجموع ۱۸ ساعت هنر تدریس می‌شود؛ بنابراین مکرر مشاهده می‌کنیم که یا شخص دانش آموز یا والدین او در اعتراض به هزینه‌های ابزار کار هنر به دفتر مراجعه می‌کنند. برای خود من هم این اتفاق افتاده است و گاهی دانش آموزی قبل از کلاس این مشکلش را با من در میان می‌گذارد، برای همکاران دیگر هم که هنر را تدریس می‌کنند این موضوع پیش آمده است." معلمان هم چنین از عدم وجود راهنمایی لازم در کتاب درسی برای خرید وسایل مورد نیاز هنر انتقاد داشتند و این مسئله را موجب تهیه اقلام بی کیفیت و در برخی موارد بی مصرف دانستند. تعدادی از معلمان هنر فضای مورد نیاز برای هر دانش آموز در هنگام کار هنری را محدود توصیف کردند.

مصاحبه شونده (۴): "در مدارس شهری معمولاً تعداد دانش آموزان هر کلاس زیاد است؛ هنگام تدریس دروسی که نیاز به تمرین و کار کلاسی دارد مانند طراحی و خوشنویسی بسیار پیش آمده است که در اثر کمبود فضای کار برای هر دانش آموز اتفاقاتی نظیر ریختن وسایل و ابزار کار به روی زمین و یا ریختن مرکب به روی لباس دانش آموز رخ داده است." تقریباً تمامی معلمان از عدم وجود وسایل کمک آموزشی مانند سایر دروس در این درس گلایه داشتند. به عنوان نمونه معلمان امکان پخش موسیقی در هنگام نقاشی و طراحی و یا استفاده از برنامه‌ها و نرم افزارهای نوین آموزشی را نداشتند. علاوه بر این امکان برگزاری برنامه‌های فوق برنامه در کنار تدریس این درس برای معلمان فراهم نیست. معلمان برای بازدید از کانون‌های

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

فرهنگی هنری، موزه‌ها و آثار هنری، بردن دانش‌آموزان به نمایشگاه‌های خطاطی، تئاتر و یا دعوت از هنرمندان با محدودیت‌های سلیقه‌ای و بودجه‌ای مواجه بودند.

مصاحبه‌شونده (۵): "گاهی اوقات تصمیم می‌گیرم که بچه‌ها را به بازدید خارج از کلاس ببرم اما نه جای مناسب و متنوعی برای این کار در سطح شهر می‌یابم و نه این که اجازه این کار را داریم؛ هماهنگی آن هم بسیار سخت است هم با مدیر و اداره آموزش و پرورش و هم با والدین".

جدا از مشکلات محتوایی و فکری در آموزش هنرمندساز، مشکلات سخت‌افزاری و امکانات نیز به عنوان موانعی بازدارنده در آموزش هنر عمل می‌کنند. اگرچه تجربه‌های مدرسه می‌توانند در رشد خلاقیت دانش‌آموزان نقش کلیدی داشته باشند و معلمان خلاق شاگردان خلاق تری پرورش می‌دهند، اما از ضروریات و الزامات مهم برای گسترش رویکرد تربیت هنری در مدارس، ایجاد فضای مناسب و امکانات کارگاهی مورد نیاز هنر است. تحقیقات انجام گرفته نشان می‌دهند، نبود کارگاه‌های مناسب برای اجرای درس هنر در مدارس ابتدایی و راهنمایی و کافی نبودن وقت، بسیاری از معلمان را به رها کردن برنامه‌ها و می‌دارد. (شرفی، ۱۳۷۵).

۱-۳- دانش‌آموزان

زیرمقوله جنس دانش‌آموزان در کیفیت آموزش معلمان تأثیر چندانی نداشت به این معنا که از نظر معلمان، آموزش هنر به دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت چندانی نمی‌کند اما میزان بروز استعداد‌های هنری در قالب موضوعات کتاب درسی در بین دختران و پسران کمی متفاوت بوده است. از مجموع نظرات معلمان چنین بر می‌آید که جنسیت نقش پررنگی در این زمینه ندارد بلکه استعداد فردی دانش‌آموزان است که مشخص می‌کند آن‌ها به کدام حیطه موضوعی کتاب درسی علاقه نشان می‌دهند، به این معنی که نمی‌توان گفت دانش‌آموزان دختر بیشتر به نقاشی علاقه مندند یا دانش‌آموزان پسر؛ بلکه در هر دو جنس استعداد‌های خارق‌العاده و یا حتی فقدان ذوق هنری نیز وجود دارد.

مصاحبه‌شونده (۶): "در جلساتی که هر چند وقت یک بار برای معلمان برگزار می‌شود؛ همکاران از کارها و استعداد‌های خارق‌العاده برخی دانش‌آموزان خود سخن می‌گویند و جالب اینجاست که گاهی پیش می‌آید که همکاران مرد از هنر آفرینی دانش‌آموزان پسر تعریف می‌کنند".

زیرمقوله‌های پایه و تعداد دانش‌آموزان هم از نظر معلمان هنر در میزان سهولت تدریس و نیز بروز آموزه‌های دانش‌آموزان موثر بود. به عنوان مثال معلمان پایه اول دوره راهنمایی تدریس هنر را در مقایسه با دو پایه دیگر سخت‌تر ارزیابی نمودند. از نظر آن‌ها دانش‌آموزان این پایه به دلیل ورود مستقیم از دوره ابتدایی به راهنمایی و مواجه شدن با درس تخصصی هنر از آمادگی کمتری برای یادگیری و پیشرفت برخوردارند، اما در مقابل اهمیت این پایه به لحاظ کشف و هدایت استعداد هنری هر دانش‌آموز را مهم دانستند. هم‌چنین از نظر معلمان هر چه تعداد دانش‌آموزان کمتر باشد معلم هنر بهتر می‌تواند توازن و تعادل را در رسیدگی و هدایت هنری دانش‌آموز رعایت کند و بارز است که در این صورت فرصت بیشتری برای توجه به هر دانش‌آموز وجود خواهد داشت. به گفته معلمان میزان رغبت و علاقه دانش‌آموزان به درس هنر، خلاقیت و استعداد هنری آنان در انجام فعالیت‌های هنری عامل مهمی در کیفیت و پویایی کلاس هنر بوده است. زیرمقوله اهمیت نمره درس هنر در کانون توجه تمام معلمان هنر بود. آن‌ها اهمیت بالای نمره درس هنر را نه تنها به خاطر وجود ارزش این درس در بین دانش

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

آموزان ندانستند بلکه بر این موضوع که در اغلب موارد نمره درس هنر به منزله نمره موثر در افزایش معدل دانش آموزان تلقی می‌شود؛ اتفاق نظر داشتند.

مصاحبه شونده (۲): " چیزی که برایم خیلی عجیب بوده است این است که دانش آموزان و به ویژه آن‌هایی که از نظر درسی برتر هستند در طول کلاس به من مراجعه می‌کنند و نسبت به نمره خود در پایان نیمسال ابراز نگرانی می‌کنند؛ مثلاً می‌گویند خانم اگر من تمام نمره‌هایم ۲۰ شود هنر را هم به من ۲۰ می‌دهید؟ حتی دانش آموزی را داشته‌ام که نسبت به عدم موفقیت خود در پاس کردن دروسی مثل ریاضی و زبان مطمئن بوده است و یا خود یا والدین او از من خواسته‌اند نمره درس هنر او را بالا بدهم تا معدلش پایین نیاید."

از نظر معلمان نگاه دانش آموزان به درس هنر به مانند سایر دروس نیست. دانش آموزان در اکثر موارد خواهان نمره بیشتر و البته بدون شایستگی لازم برای اخذ آن نمره هستند.

نگاه سطحی، حاشیه‌ای و تزئینی به هنر موجب گردیده است به هنگام بروز مضیقه‌های بودجه‌ای و مالی و نیز تنگناهای برنامه‌های آموزشی و درسی، این حوزه ممکن‌ترین و سهل‌ترین گزینه برای تضعیف، تقلیل یا حتی حذف، به نظر برسد و اولین قربانی در این شرایط باشد. (رضایی، ۱۳۹۲).

برخی از معلمان هنر نیز اذعان داشتند دانش‌آموزانی که در سایر دروس موفق‌تر بوده‌اند عملکرد هنری بهتری نیز داشته‌اند اما تعدادی از معلمان هم این مسئله را انکار نمودند و در مقابل نوع روش تدریس معلم و میزان مشارکت دانش‌آموزان در تدریس را عامل تعیین‌میزان یادگیری دانستند.

توانایی تامین ابزار مورد نیاز برای این درس هم زیر مقوله دیگری بود که از نظر تعدادی از معلمان تاثیر مستقیمی بر میزان پیشرفت و عملکرد دانش‌آموزان داشته است.

تداوم این وضعیت، این مخاطره را در پی خواهد داشت که این باور ضعیف یا تا حدی ضعیف را تقویت کند که تربیت هنری یا آموزش هنر مختص اقشار خاصی بوده و اذا ضرورت یا امکان و استعداد آن را دارد که به خارج از نظام آموزش و پرورش رسمی منتقل شود. (رضایی، ۱۳۹۲).

۴-۱- والدین

معلمان از طرز نگاه والدین به درس هنر انتقاد داشتند. آن‌ها عنوان کردند که اکثر والدین دروس دیگر از قبیل ریاضیات، زبان خارجه و فیزیک را مهم‌تر از هنر تلقی می‌کنند. هم‌چنین از نظر والدین، درس هنر آن قدر مهم نیست که فرزندشان بخواهد از آن نمره کمی بگیرد. معلمان به مراجعات مکرر والدین به خصوص در ایام توزیع کارنامه‌ها اشاره کردند و از اصرار والدین برای افزایش نمره هنر جهت جبران نمرات پایین دیگر در کارنامه سربرداشتند.

نتایج حاصل از پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد هم عملکرد معلمان هنر در زمینه ارزشیابی و هم اظهار نظر آنان در این خصوص حکایت از آن دارد که معلمان هنر به میزان کمتر و سایر معلمان به میزان بیشتری با این مقوله مشکل دارند. (رضایی، ۱۳۹۲: ۲۰)

مصاحبه شونده (۱۱): " در جلسات انجمن اولیا و مربیان بارها دیده شده که اولیای دانش‌آموزان دور معلم ریاضی، زبان و یا عربی را گرفته‌اند و اصلاً نیازی نمی‌بینند که از عملکرد و میزان پیشرفت فرزند خود در درس هنر نیز آگاه شوند؛ مثل این

اولین همایش بین‌المللی و سومین ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

می‌ماند که انگار خیال آن‌ها از نمره درس هنر راحت است و یا این که نمره بالای این درس را یک امر بدیهی و عادی می‌دانند و توقع ندارند از ۱۸ کمتر باشد. هم‌چنین والدین در اغلب موارد در اعتراض به هزینه‌های درس هنر و اجبار دانش‌آموزان در تهیه ابزار کار به آموزشگاه مراجعه کرده‌اند. از نظر معلمان دانش‌آموزانی که والدین آن‌ها با علاقه و با توجه ویژه مبادرت به تهیه وسایل لازم این درس نموده بودند نسبت به انجام فعالیت‌های هنری رغبت و انگیزه بیشتری داشتند. مصاحبه‌شونده (۷): " هنگام تمرین و انجام کارهای هنری آن دسته از دانش‌آموزانی که از ابزار مورد نیاز برخوردارند انگیزه و شوق بیشتری برای ارائه یک کار بهتر دارند، اما متأسفانه تعدادی از دانش‌آموزان که در تهیه وسایل لازم دچار مشکل هستند رغبت چندانی به کار ندارند؛ خود من چند مرتبه تا کنون برای پاسخ‌گویی به اولیا که نسبت به هزینه‌های تامین وسایل هنری گله داشتند به دفتر آموزشگاه احضار شده‌ام. معلمان تهیه وسایل لازم برای هنر توسط والدین را نوعی سیاست تشویقی نیز تلقی کردند و تشویق و تایید دانش‌آموزان توسط اولیای آن‌ها را نیز در افزایش یادگیری و پرورش استعداد هنری دانش‌آموز موثر دانستند.



۱-۵- محیط آموزشی

زیر مقوله " نگرش مدیر و سایر معلمان " هم از نکات دیگری بود که از مصاحبه‌شوندگان دریافت شد. معلمان حمایت و نگاه مثبت مدیر مدرسه و معلمان سایر دروس به درس هنر را مهم دانستند. آن‌ها این دید مثبت را در افزایش اهمیت دهی دانش‌آموزان به درس هنر در کنار سایر دروس مفید دانستند.

مصاحبه‌شونده (۳): " گاهی وقت‌ها دبیری از من می‌خواهد که ساعت تدریس هنر را به درس او بدهم و این درخواست یعنی که درس هنر اهمیت چندانی ندارد؛ این موضوع حتی نظر دانش‌آموزان به درس هنر را هم تحت الشعاع قرار داده است. معلمان هنر نقش مدیر مدرسه را به خصوص در هنگام مراجعه والدین در هنگام اعتراض به هزینه‌های درس هنر و یا نمره درس هنر بسیار مهم تلقی کردند. از نظر آنان نگرش مثبت و اهمیت دهی مدیر به درس هنر همانند سایر دروس و یا حتی بیشتر از آن‌ها عامل موثری در ارتقای جایگاه درس هنر در مدارس است.

تلاش مدیر برای فراهم کردن امکانات لازم این درس، برگزاری نمایشگاه هنری از آثار دانش‌آموزان و بها دادن به ذوق هنری آنان و تامین هزینه‌های جانبی این درس نیز از دیگر خواسته‌های معلمان از مدیران مدارس بود.

مصاحبه‌شونده (۱۵): " به نظر من مدیر مدرسه نقش مهمی در القای ارزشمندی درس هنر دارد، مدیر می‌تواند حتی نگاه والدین را به درس هنر تغییر دهد.

معلمان برگزاری نمایشگاه‌ها حتی در محل مدرسه را در تشویق و ترغیب دانش‌آموزان و هم‌چنین در تلافیف فضای مدرسه موثر دانستند.

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

برای پویا ساختن آموزش هنر در مدارس، رفع موانع آن که به ناکارآمدی نظام آموزش هنر انجامیده است، و ایجاد انگیزه و اراده‌های مصمم برای حرکت در این مسیر، تغییر بینش و دیدگاه مدیران آموزش در سطح بالا و بسیار از معلمان و والدین در سطوح پایین تر نسبت به حقیقت و ماهیت هنر و کارکرد آن در دانش آموزان است (مهرمحمدی، ۱۳۸۳).

۱-۶- سیاست‌های آموزش و پرورش

در مصاحبه با معلمان هنر مجموعه نظرات آنان درباره سیاست‌های فعلی نظام آموزش و پرورش در قالب یک مقوله اصلی و هفت زیر مقوله تقسیم بندی شد. از نظر معلمان محتوای کتاب درسی، عدم تغییر و به روز رسانی آن طی سال‌های متمادی و نیز نادیده گرفتن نیاز و علاقه همه دانش آموزان در گرد آوری مطالب درسی مهم ترین موضوعی است که باید از طریق آموزش و پرورش نسبت به حل آن چاره‌ای اندیشید.

مصاحبه شونده (۱۱): "وقتی از همکاران من تر درباره کتاب هنر زمان تحصیلشان می‌پرسم متوجه می‌شوم که جای خیلی چیزها در کتاب هنر فعلی خالی است، مثلا برخی از دانش آموزان از من می‌خواهند با آن‌ها نمایش کار کنم و یا این که اصرار دارند برای آوردن آلات موسیقی مثل گیتار و نوازندگی در کلاس از مدیر اجازه بگیریم". عدم تناسب ساعات درس هنر با تعداد دروس و نیز با فرصت آموزش هم از دیگر زیر مقوله‌هایی بود که معلمان به آن اشاره کردند. در بخش نقاط ضعف برنامه درس و آموزشی، کمبود ساعت اختصاص یافته به آموزش هنر در دوره ابتدایی و با شدت بیشتری در دوره راهنمایی، مشکلات زیادی را ایجاد کرده است (رضایی، ۱۳۹۲).

مصاحبه شونده (۹): "هر چه قدر هم که بخواهم سریع درس بدهم و جلو بروم اما به دلیل ماهیت درس هنر و نیاز به تمرین و تکرار باز هم وقت کم می‌آورد و خیلی کند پیش می‌روم، مخصوصا این که در بسیاری از مواقع هم ساعت تدریس هنر برای سایر دروس گرفته می‌شود". از آنجایی که تقریبا اکثر معلمان تخصص هنری ندارند و تدریس هنر در ازای تکمیل ساعات موظفی مرتبط با رشته خود و یا حق التدریسی به آن‌ها واگذار شده است، بر لزوم تربیت متخصص هنر و جذب آنان در مدارس تاکید داشتند. معلمان هم چنین از عدم تناسب توزیع نیروی متخصص هنر در مناطق مختلف گله داشتند و از نظر آنان این عدم تناسب به حدی است که در یک منطقه هیچ نیروی متخصص هنر وجود ندارد و از ظرفیت سایر معلمان استفاده می‌شود اما در برخی نقاط نیروهای مازاد متخصص هنر وجود دارد و بخش عمده‌ای از آنان بیکارند.

مصاحبه شونده (۱۳): "فکر می‌کنم تقریبا هیچ متخصص هنر در شهرستان و یا حتی منطقه وجود ندارد و افرادی هم که قبلا بوده‌اند انتقالی گرفته و رفته‌اند، حتی با وجود این که در برخی مدارس ساعات هنر کامل است و خرد نیست باز هم معلم هنر نداریم. همه همکاران من هم تخصصشان غیر از هنر است".

کمبود نیروی انسانی متخصص و با تجربه در امر آموزش هنر، اشتغال به آموزش هنر توسط نیروهایی که مدرک تحصیلی آن‌ها تناسبی با تدریس ندارد، استفاده ابزاری از کلاس هنر برای پر کردن ساعت موظف معلمان دروس دیگر، حادترین مسائلی هستند که این حوزه موضوعی از آن رنج می‌برد (رضایی، ۱۳۹۲).

مصاحبه شونده (۱۴): "من یک بار این موضوع را با مسئولان اداره در میان گذاشتم، آن‌ها گفتند ما حتی اعلام نیاز هم می‌کنیم اما جذب نیرو در استخدام‌ها اعمال نمی‌شود. مسئولان گفتند حتی معلم هنر و متخصص هنر دیگر تربیت نمی‌شود".



عدم تامین و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز برای آموزش هنر چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی و استفاده از نیرو های غیر متخصص، بزرگ ترین و حاد ترین مسئله در نظام منابع انسانی در قلمرو تربیت هنری است (رضایی، ۱۳۹۲).

معلمان هم چنین ارزیابی و نظارت منظم بازرسان آموزش و پرورش را در افزایش راندمان کاری خود و نیز تعیین نقاط قوت و ضعف تدریس خود موثر دانستند.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش مشکلات و محدودیت های درس هنر از دیدگاه معلمان مشغول به تدریس هنر در مدارس راهنمایی شهرستان فریدن بررسی شد. نتایج نشان داد که این آسیب ها در ۶ مقوله اصلی معلم، مواد و مصالح، دانش آموزان، والدین، محیط آموزشی و سیاست های آموزش و پرورش جای می گیرند.

عواملی سبب شده تا معلمان، در رسیدن به اهداف در نظر گرفته شده برای برنامه درسی هنر موفق نباشند از جمله بی اهمیت بودن برنامه درسی هنر نسبت به دیگر دروس در عملکرد معلمان خود نمایی می کند. کمبود بودجه در نظر گرفته شده برای درس هنر باعث می شود بار تأمین هزینه مربوط به این درس به دوش خانواده ها افتاده و با توجه به مشکلات اقتصادی خانواده ها، اعتراض آن ها را برانگیزد. کمبود وقت درس هنر باعث می شود پرداختن به هنر به صورت گسترده امکانپذیر نبوده و باعث شده معلمان با حداقل تمرین و ممارست از درس ها عبور کنند و از تعمق برنامه درسی هنر اجتناب ورزند.

نا آگاهی والدین نسبت به اهمیت نقش هنر در یادگیری نیز عامل دیگری است که عدم همراهی والدین با مدرسه به صورت شایسته را در پی داشته است. کمبود امکانات برای تدریس هنر و عدم وجود فضای مناسب و مواد آموزشی کافی در مدرسه مسئله دیگری است. این امر با نتایج یافته های فلاحی و همکاران (۱۳۹۰)، مهرمحمدی و همکاران (۱۳۸۰)، تمنایی فر و همکاران (۱۳۸۹) و دیویس (۲۰۱۰) همخوانی دارد.

هم چنین مشکلات محتوایی کتاب درسی مانند به روز نبودن، حجم بالای کتاب، عدم توجه به نیاز ها و استعداد های دانش آموزان در نوع مباحث و دروس موجود، نقطه اشتراک نظرات معلمان هنر بوده است.

نا مناسب بودن فضای کلاس، عدم توجه به اهمیت درس هنر و نبود برنامه ریزی مناسب در سیاست های آموزش و پرورش، محدود بودن معلمان و فقدان آزادی عمل برای بروز خلاقیت از دیگر مشکلات درس هنر بوده است. در این باره نتایج پژوهش حاضر با نتایج حاصل از پژوهش های ظریف (۲۰۰۰)، تاجیک (۲۰۰۰)، امینی (۲۰۰۲)، فروغی ابری، یار محمدیان و رجاییان (۲۰۱۳)، گریس (۱۹۸۷)، امپوه (۲۰۰۲) و لودر میک (۲۰۰۲) همسو و منطبق است.

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

اهمیت کم درس هنر از نظر دانش آموزان، والدین و مدیران مدارس، عدم توجه به استقرار کارگاه یا نمایشگاه‌های هنری در مدارس، کمبود امکانات، تعداد بالای دانش آموزان، ناتوانی مالی والدین در تامین ابزار مورد نیاز دانش آموزان هم از محدودیت‌ها و مشکلات مهم تدریس هنر عنوان شده‌اند. در این باره نتایج پژوهش حاضر با نتایج حاصل از پژوهش‌های تاجیک (۲۰۰۰)، فروغی ابری، یار محمدیان و رجائیان (۲۰۱۳)، گریس (۱۹۸۷) همسو است.

وجود انتظارات بالا در کسب نمره در والدین و دانش آموزان، و نامناسب بودن ملاک‌های ارزیابی درس هنر هم نقطه اشتراک تمامی معلمان هنر در ارائه مشکلات این درس بوده است. در اغلب موارد به دلیل آن که درس هنر توسط دانش آموزان و اولیای آنان جدی گرفته نمی‌شود، انتظار دارند که نحوه ارزشیابی این درس آسان‌تر و نمرات آن نیز بالاتر باشد و این موضوع موجب می‌شود معلمان نتوانند بر اساس عملکرد واقعی و میزان تلاش دانش و استعداد دانش آموز نمره بدهند. جهت حل این موضوع، به نظر می‌رسد اهمیت قائل شدن مسئولان آموزش و پرورش برای درس هنر و جدی گرفتن آن موجب تحقق نگاه منطقی والدین، دانش آموزان و سایر معلمان به این درس می‌شود. در این رابطه، نتایج پژوهش با نتایج حاصل از پژوهش‌های تاجیک (۲۰۰۰) و دیکابا (۲۰۰۲) منطبق است.

بر این اساس علاوه بر این که معلمان باید در تقویت توانایی و ذوق هنری خویش بکوشند، آموزش و پرورش نیز لازم است در فرایند تربیت نیروی متخصص هنر، جذب و توزیع آن تجدید نظر نماید و این با توجه به عدم وجود هیچ معلم هنری در سطح شهرستان و یا حتی منطقه غرب استان اصفهان ضروری به نظر می‌رسد.

هنگامی که دانش آموزان در حوزه هنرها فعالیت می‌کنند، در حقیقت تجارب فردی و روایت‌هایی از خود نشان می‌دهند که در سایر زمینه‌های یادگیری دیده نمی‌شود و این امر به معلمان توانمند نیازمند است. آگاهی معلم از توانمندی‌ها و نقاط ضعف دانش آموزان باعث می‌شود، تجارب آموزشی که به کشف خلاقیت دانش آموزان کمک می‌کنند را فراهم کند. معلمان باید دانش کافی درباره هنرها داشته باشند که این دانش برای داشتن قضاوت صحیح درباره یادگیری دانش آموزان لازم است (رایت، ۲۰۰۹).

برای رسیدن به توسعه پایدار در عرصه هنر، توجه به آموزش هنر از طریق آموزش و پرورش ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، زیرا ارتقای کیفیت آموزش هنر به ویژه آموزش زیربنایی آن، به ارتقای تولیدات هنری و توسعه هنر در جامعه می‌انجامد. به منظور تحقق این توسعه و تحول می‌باید از رویکرد توسعه درونی، الگویی که بر اساس نوآوری داخلی پایه‌گذاری می‌شود، سود جست و آموزش هنر را بر مبادی و اصول هنر ایرانی اسلامی و نیازهای کنونی جامعه استوار ساخت تا فرهنگ و هنر اصیل گذشته، پایه‌ای برای تکامل هنر گذشته و تولید هنر جدید شود و پیش‌نیازهای آن را فراهم سازد (مه‌دیزاده، ۱۳۸۸). هم‌چنین درس هنر باید تا جایی که امکان دارد تمام ابعاد هنری را در بر بگیرد و در همه مراحل و پایه‌ها جدی، ارزشمند و قابل افتخار تلقی گردد تا نگاه والدین و دانش آموزان به آن تغییر یابد.

منابع

- ۱- ابراهیم محمدی، محمد و جوادی ابراهیمی (۱۳۹۲). "ضرورت استفاده از هنر در آموزش"، همایش ملی تغییر برنامه درسی دوره‌های تحصیلی آموزش و پرورش، دانشگاه بیرجند، ۱۳۹۲.

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

- ۲- استراس، آنسلم؛ جولیت کوربین(۱۳۹۰). اصول روش تحقیق کیفی: رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۹۰.
- ۳- امینی، محمد(۱۳۸۴). تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش، تهران، آبیژ، ۱۳۸۴.
- ۴- ایزنر، الیوت(۱۳۸۵). آموزش هنر برای تغییر دنیا، ترجمه فاطمه سادات میر عارفین، فصلنامه رشد آموزش هنر، شماره ۶.
- ۵- برنز، اریک؛ میشل فوکو(۱۳۸۴). ترجمه بابک احمدی، ماهی، ۱۳۸۴، فروردین.
- ۶- پورکریمی، مجتبی؛ هاوشکی، علی؛ کریمی، گیلده و حجت حسینی(۱۳۹۴). "آسیب‌شناسی و تحلیل کارکردهای تربیتی هنر در کتب درسی قبلی و تازه تألیف هنر پایه هفتم"، فصلنامه علمی پژوهشی نوآوری‌های آموزشی، دوره ۱۴، شماره ۴.
- ۷- تمنایی فر، محمدرضا؛ امینی، محمد؛ یزدانی کاشانی، زینب(۱۳۸۹). "تأملی بر کارکردهای تربیت هنری در نظام آموزشی"، فصلنامه جلوه هنر، دوره جدید، شماره ۲.
- ۸- حسینی روکش، سید علی؛ ضامن، فرشیده؛ دائی زاده، حسین(۱۳۹۱). "تاثیر کاربرد نرم افزارهای آموزشی در ارتقا یادگیری مهارت‌های اساسی درس هنر"، فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، دوره ۳، شماره ۱، (پیاپی ۹).
- ۹- خان احمدی، مرضیه(۱۳۸۷). مقایسه و بررسی وضعیت موجود و وضعیت مطلوب برنامه‌درسی هنر در مدارس دخترانه شهر خوی از دیدگاه معلمان و والدین در سال تحصیلی ۸۷-۸۶، پایان‌نامه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- ۱۰- خداوردی، حسن(۱۳۸۷). متدولوژی پژوهش کیفی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پورتال جامعه علوم فرهنگی.
- ۱۱- ذوالفقاریان، ملیحه؛ کیان، مرجان(۱۳۹۳). "واکاوی تجارب معلمان زن در تدریس هنر در مدارس ابتدایی: یک پژوهش کیفی"، فصلنامه نظریه و عمل در برنامه‌درسی سال دوم، شماره ۴.
- ۱۲- رافائل، ماکس(۱۳۷۹). سه پژوهش در جامعه‌شناسی هنر: پرودون، مارکس، پیکاسو، ترجمه اکبر معصوم‌بیگی، تهران، آگه، ۱۳۷۹.
- ۱۳- رامین، علی(۱۳۹۳). مبانی جامعه‌شناسی هنر، تهران، نی، ۱۳۹۳، اسفند.
- ۱۴- رضایی، منیره(۱۳۹۲). "تربیت هنری در نظام آموزشی ایران"، مطالعات فرهنگ و ارتباطات، دوره ۱۴، شماره ۲۲.
- ۱۵- رهیده، محمد رضا و دکتر علی اصغر شیرازی(۱۳۹۲). "مقایسه محتوایی کتاب‌های درسی هنر سال اول دوره راهنمایی تحصیلی از سال ۱۳۵۰ تا کنون در آموزش و پرورش ایران"، فصلنامه دارای رتبه علمی - پژوهشی علوم انسانی، سال هشتم، شماره ۳۰.
- ۱۶- زکریایی، محمدعلی(۱۳۷۸). جامعه‌شناسی هنر، درآمدی بر جامعه‌شناسی هنر از منظر دکتر علی شریعتی، تهران، آذریون، ۱۳۷۸.
- ۱۷- شرفی، محمود(۱۳۷۷). "نظرخواهی درباره درس هنر در مدارس راهنمایی"، فصل‌نامه تعلیم و تربیت، شماره ۷.

اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی

۱۳ اردیبهشت ۹۶ - دانشگاه تهران

- ۱۸- شیروانلو، فیروزه (۱۳۵۵). گستره و محدوده جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، تهران، توس.
- ۱۹- صفری، اسماعیل؛ نظر زاده زارع محسن (۱۳۹۳). "آسیب شناسی درس هنر در ابعاد طراحی، اجرا و ارزیابی"، پژوهش در برنامه ریزی درسی، سال یازدهم، دوره دوم، شماره ۱۶، (پیاپی ۴۳).
- ۲۰- فلاحی ویدا؛ صفری، یحیی؛ یوسف فرحنگ، ماندانا (۱۳۹۰). "تأثیر آموزش با رویکرد تربیت هنری بر فعالیت‌های هنری و مهارت‌های فرایندی دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی"، فصلنامه نوآوری‌های آموزش، سال دهم، شماره ۳۹.
- ۲۱- کاظم پور، اسماعیل؛ رستگار پور، حسن؛ سیف نراقی، مریم (۱۳۸۷). "ارزشیابی برنامه درسی هنر دوره راهنمایی تحصیلی براساس رویکرد دیسیپلین محور"، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، سال دوم، شماره ۴.
- ۲۲- گودرزی، مرتضی (۱۳۷۷). راه چهارم، فصل نامه هنرهای تجسمی، شماره ۴.
- ۲۳- محمدپور، آیت‌الله (۱۳۸۲). آموزش هنر در مدارس دوره ابتدایی، تهران، منادی تربیت، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۲۴- منصوریان، یزدان (۱۳۹۱). "هفتاد نکته کاربردی در طراحی و اجرای پژوهش‌های کیفی"، کتاب ماه کلیات، سال پانزدهم، شماره ۸.
- ۲۵- مهدی زاده، علیرضا (۱۳۸۸). نقش آموزش و پرورش در توسعه هنر، دوره هفتم، شماره یک، ۱۳۸۸، پاییز.
- ۲۶- مهرمحمدی، محمود؛ کیان، مرجان (۱۳۹۳). برنامه درسی و آموزش هنر در آموزش و پرورش، تهران، سمت.
- ۲۷- مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۴). "آموزش عمومی هنر؛ چپستی، چرایی و چگونگی"، تهران، انتشارات مدرسه.
- ۲۸- میرزاآقایی، حمید (۱۳۸۶). "تأثیر آموزش هنر بر خلاقیت کودکان"، ماهنامه پژوهشی - خبری فرهنگستان هنر ایران، شماره ۵، اسفند ۱۳۸۶.
- ۲۹- میرزاییگی، حسن (۱۳۹۰). "نقش هنر در آموزش و پرورش و بهداشت روانی کودکان"، تهران، مدرسه، چاپ پنجم، دی ۱۳۹۰.
- ۳۰- نواب صفوی، مینا (۱۳۸۲). موسیقی ایران: آموزش دبستان: درس هنر در دبستان، مجلات تخصصی نور، شماره ۲۵.
- ۳۱- نواب صفوی، مینا؛ دارپور، فاطمه و همکاران (۱۳۸۵). راهنمای معلم برنامه درسی هنر، برای معلمان پایه‌های اول، دوم و سوم ابتدایی، دفتر تألیف کتب درسی، وزارت آموزش و پرورش.
- ۳۲- هوروکس، کریس (۱۳۷۹). فوکو: قدم اول، ترجمه پیام یزدان‌جو، تهران، شیرازه.
- ۳۳- هینیک، ناتالی (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی هنر، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، آگه.
- ۳۴- ورنو، روزبه و ژان وال (۱۳۷۲). گاهی به پدیدارشناسی و فلسفه‌های هست بودن، ترجمه یحیی مهدوی، تهران، خوارزمی، چاپ اول.
- ۳۵- یاسمی، صدیقه؛ فاطمه خمیس آبادی و مرجان کیان (۱۳۹۳). "تحلیلی بر جایگاه برنامه درسی هنر مبتنی بر سند برنامه درسی ملی آموزش و پرورش"، نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روان‌شناسی، مردودشت، شرکت اندیشه سازان مبتکر جوان، http://www.civilica.com/Paper-ASMJ01-ASMJ01_0614.html

- 37-Davies, Dan (2010). Enhancing the role of the arts in primary pre-service teacher education. Bath Spa University, Newton Park, Bath, Somerset BA2 9BN, England, UK.
- 38-Grice, M.L. (1987). Discipline-Based Art Education: Needs Assessment Analysis. The Status of Art Education in the Portland Public Schools.
- 39-Dichaba, E. (2002). A Thematic Based Art Appreciation Curriculum For Pedagogical Training of Junior Secondary School Teachers in Botswana. Unpublished Master's Thesis, Central Connecticut State University.
- 40-Killeen, Donald J(2004). Transforming Education Through The Arts Challenge (TETAC), Final Project Report, The National Arts Education Consortium Department of Art Education, The Ohio State University.
- 41-Kocer, Hale (2012). The evaluation of the art activities applied in preschool education programmes in terms of self-expression opportunity given to child. Akdeniz University, Faculty of Education, Department of Primary Education, Division of Preschool Education Antalya Turkey.
- 42-Loudermilk, M.L.(2000). The use of aesthetics in a comprehensive art curriculum. MA. Marshall University, Huntington, West Virginia.
- 43-Mpowe, L.T.(2002). A thematic based professional Studies art education curriculum for training junior secondary school art teachers in Botswana. Unpublished Master's Thesis, Central Connecticut State University.
- 44-Orhun Beykal, Feryal(2009). Training & Teaching style in accessing a Desired Classroom Discipline at Visual Art Courses. World Conference on Educational Sciences. Procedia Social and Behavioral Sciences v1, 692-696.
- 45-Robinson, Ken.(2000). Arts Educations Place in a Knowledge-Based Global Economy, Available at Learning and Arts: Crossing Boundaries/Proceedings from an Invitational Meeting for Education, Arts and Youth Funders Held January, Los Angeles.
- 46-Wright, Peter. (2009). Teaching in Arts Education, International Handbook of Research on Teachers and Teaching, Part One Editors. Edited by Lawrence J. Saha and A. Gary Dworkin. Springer Science and Business Media, LLC.

**Investigation of Difficulties and Limitations of art Lesson During the First year of
Secondary School from the Perspective of Teachers
(A Qualitative Study; Case Study: The City of Fereydan)**

Abstract:

The role and place of art is increasingly recognized in the life. But all arts are considered as subsidiary and marginal issues in schools. Since many years, the highest damage to art is that we allow students to pass their time simply and with no purposeful activity during art courses, as if we left them free during this course. The importance of art lesson and serious problems in this area have led us to investigate in the present study, these limitations and problems from the perspective of teachers and benefit from their experiences. This is a study with qualitative and phenomenological approach. The samples of the present study consists of art teachers of the first year of secondary school in the city of Fereydan with at least two hours of teaching of art during the school year 2015-2016 The number of these teachers was 19; these teachers participated in the study in compliance with the principle of theoretical saturation through semi-structured interviews. Data were analysed by coding method. The findings of research about problems and limitations of art course were categorized into 9 main subjects of teachers, materials, students, parents, educational environment, and educational policies. Each of these main categories was divided into some subsidiary sub-categories. The results showed that issues such as the lack of expertise and necessary skills in art education, assignment of art teaching to non-specialized teachers, inappropriate content of textbooks, underestimating the importance of art lesson, devoting art class time to other lessons, lack of time of teaching and practice, lack of funds, lack of awareness of parents from the importance of art and also the confusion of students in the recognition of their favourite areas are the most important problems of art courses in the schools of Fereydan city.

۲۴

Keywords: art lesson, teachers of art, teaching experiences, first year of high school, curriculum restrictions